

## فرضیه فاجعه‌زدگی: تأثیر پایدار فاجعه مغول در تاریخ سیاسی، اجتماعی، و علمی ایران

عباس عدالت  
امپریال کالج لندن

### کل مقاله

#### چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی تأثیر روحی و روانی حمله مغول، حکومت ایلخانان، و فتوحات تیموری در تاریخ سیاسی، اجتماعی، و علمی ایران با استفاده از یافته‌های جدید علوم روان‌شناسی و مردم‌شناسی است. فرضیه فاجعه‌زدگی، که بر اساس چنین مطالعه‌ای شکل گرفته، مدعی است که در دورانی حدوداً دو بیست ساله، ایران و جوامع اسلامی در خاورمیانه و آسیای میانه دچار آسیب‌دیدگی عمیق و ممتدی شده‌اند که آثار مخرب ماندگاری در سطوح سیاسی، اجتماعی، عقیدتی و فرهنگی در این جوامع داشته و علت اصلی نابودی تمدن طلایی ایرانی-اسلامی بوده است. اگرچه ایران توانست در دوران صفویه به وحدت ملی و مذهبی دست یابد و اگرچه در دوران استعمار نو بالاخره توانست به استقلال ملی نائل شود، با این‌همه پیامدهای فاجعه‌زدگی مغول در زمینه مشکلات ذهنی و رفتاری در جامعه کماکان مانعی اساسی در پیشرفت ایران و نیز سایر کشورهای اسلامی خاورمیانه جهت همکاری مؤثر اجتماعی و توافق بر سر منافع جمعی محسوب می‌شوند. آسیب‌شناسی این فاجعه نه تنها برای مقابله با تداوم آثار مخرب اجتماعی آن حیاتی است بلکه جهت ایجاد شرایط مناسب برای نیل به پیشرفت اساسی تاریخی و شکوفایی خلاقیت‌های بزرگ اقتصادی، علمی و فرهنگی و ایجاد تمدن و الاثر اجتماعی در این منطقه ضروری است.

باید در آغاز بگوییم که فرضیه فاجعه‌زدگی الزاماً در تقابل با نظریات رایجی که تا بحال در باره علل تاریخی عقب ماندگی ایران و خاورمیانه مطرح شده اند قرار نمی‌گیرد. این نظریات مختلف هر یک بر عوامل مهمی از شرایط اقلیمی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ویا بر نقش استعمار جدید در منطقه تأکید می‌کنند که بی‌تردید شایسته بررسی و بحث و نقد سازنده هستند و هر یک می‌توانند گویای جنبه‌های مهمی از واقعیت تاریخ ما باشند. فرضیه فاجعه‌زدگی مسئله موانع ساختاری در پیشرفت تاریخی منطقه را در سطح کاملاً متفاوتی بررسی می‌کند و با تشریح آسیب دیدگی وسیع و پایدار ناشی از حمله مغول، بر مشکلات بنیادی در ساختمان ذهنی و رفتاری مردم منطقه دست می‌گذارد که همکاری و توافق اجتماعی را شدیداً دشوار می‌کنند. در واقع، این ناهنجاریهای ذهنی و رفتاری خود می‌توانند منشأ آن دسته از مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی باشند که در برخی از نظریات رایج در زمینه ریشه‌های عقب ماندگی بصورت علل اولیه طرح شده‌اند.

این مقاله بشکل زیر سازمان داده شده است. ابتدا نگاهی اجمالی به قرون اولیه اسلام و تمدن طلایی ایرانی-اسلامی می‌اندازیم و سپس عواملی را بررسی می‌کنیم که موجب افول این تمدن شده و زمینه را برای فاجعه مغول هموار کرد. آنگاه ابعاد آسیب دیدگی اجتماعی ناشی از حملات مغول، حکومت ایلخانان و فتوحات تیمور را تشریح کرده و با استفاده از دانش جدید در زمینه آسیب دیدگی فردی و اجتماعی، آن دسته از اختلالات ذهنی و شخصیتی را مشخص

می‌کنیم که بنا به فرضیه فاجعه‌زدگی در سطح وسیعی در میان مردم منطقه بوجود آمده و آثاری از رگه‌های آن از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و مسائل ساختاری سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بزرگی در جامعه ما ایجاد کرده‌اند. سپس تأثیرات پایدار فاجعه مغول را در تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران مطالعه کرده و شواهد مختلفی دال بر استمرار آسیب‌دیدگی در شخصیت اجتماعی مردم ایران را ارائه می‌دهیم که طی قرون متمادی پس از حمله مغول در کشور ما همچنان ادامه یافته است، چنانکه آثار و نشانه‌های آن در دوران معاصر نیز کماکان پابرجا بوده است. در خاتمه، با اشاره به نقش استعمار جدید که احیاکننده خاطره فاجعه مغول است به چالش ضرورت مقابله با این آسیب دیدگی تاریخی می‌پردازیم که حتی پس از کسب استقلال ملی و دستاوردهای علمی و فنی دهه‌های گذشته همچنان برای رفع موانع ساختاری در جهت پیشرفت اساسی جامعه و شکوفایی خلاقیتها در رشته‌های مختلف حیاتی است.

### کل مقاله